Islam and Health Journal
نشریه اسلام و سلامت
e-ISSN: 2383-191X p-ISSN:2383-2177
دانشگاه علوم پزشکی بابل

Research on the Life and Scientific Works of Physicians of Tabaristan in the Period of Islamic Iran

Jamal Rezaei Orimi (MSc)[1], Seyedeh Zahra Adabinia (MSc)[2], Tahereh Shakeri (MSc)[3], Seyed Mohammad Hashemimehr (MSc)[4]*

1. Department of Persian Medicine, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
2. Dr. Noorani Vesal Museum and Center for Scientific and Cultural Studies, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
3. Traditional and Complementary Medicine Research Center, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
4. Department of Medical History, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

Article Type:
Review Paper

Received:
29 July 2023
Revised:
20 Nov. 2023
Accepted:
29 Nov. 2023
Published Online:
12 Dec. 2023

ABSTRACT

Background and aim: Iran's medical history has a brilliant history. This brilliance can also be seen in the advancement of medical knowledge in Islamic civilization. The aim of this study was to investigate the life and scientific works of the physicians of Tabaristan in the Islamic period of Iran.

Materials and methods: This research was analyzed by a descriptive-analytical method using the keywords of Tabaristan physicians, medical history of Tabaristan, Mazandaran, and Persian medicine. Data collection was done using library sources, historical documents, and databases.

Findings: Tabaristan is a part of the geography of Iran, which with the advent of Islam, became the cradle of healers who, by lasting works, caused the dynamism of Islamic medicine. During the era of Islamic Iran, famous physicians such as Ali Ibn Rabban Tabari, Seyed Ismaeil Jorjani, Abul Hassan Tabari, Abu Sahl Masihi, and Ibn Hindu Tabaristani lived and practiced medicine in different parts of Tabaristan. By writing Ferdows al-Hikma fi al-Tibb, Zakhirah Kharazmshahi, Al-Mualijat al-Boqaratiyah, Al-Miat fi al-Tibb, and Meftah al-Tibb va Menhaj al-Tollab, they have made a significant contribution to the prosperity of medical knowledge in Iran and Islamic civilization.

Conclusion: Tabaristan thinkers have been pioneers in authoring and compiling many specialized fields of medical knowledge such as ophthalmology and pediatrics. This is important, on the one hand, a document of the influence of Tabaristan scientists in the flourishing of Iran's medical history, and on the other hand, a document of the identity of this ancient land. It is hoped that this research can introduce the real face of Tabaristan medicine and the role of its physicians in the advancement of Iranian medical knowledge to today's generation.

Keywords: **Medical history, Tabaristan physicians, Mazandaran, Islamic Iran, Persian Medicine**

Cite this article: Rezaei Orimi J, Adabinia SZ, Shakeri T, Hashemimehr SM. Research on the Life and Scientific Works of Physicians of Tabaristan in the Period of Islamic Iran. Islam and Health Journal. 2023; 8(1): 53-69.

© The Author(s).

Publisher: Babol University of Medical Sciences

*Corresponding Author: Seyed Mohammad Hashemimehr
Address: Department of Medical History, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.
E-mail: paul_wetmore@yahoo.com

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

Islam and Health Journal
نشریه اسلام و سلامت
e-ISSN: 2383-191X p-ISSN:2383-2177
دانشگاه علوم پزشکی بابل

جستاری در زندگی و آثار علمی پزشکان طبرستان در دوره ایران اسلامی

جمال رضایی اوریمی (MSc)[۱]، سیده زهرا آدابی‌نیا (MSc)[۲]، طاهره شاکری (MSc)[۳]،
سید محمد هاشمی‌مهر (MSc)[۴*]

۱. گروه طب ایرانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.
۲. موزه و مرکز اسناد و مطالعات علمی فرهنگی دکتر نورانی وصال، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.
۳. مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.
۴. گروه تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

چکیده

نوع مقاله:
مقاله مروری

دریافت:
۱۴۰۲/۵/۷

ویرایش:
۱۴۰۲/۸/۲۹

پذیرش:
۱۴۰۲/۹/۸

انتشار:
۱۴۰۲/۹/۲۱

سابقه و هدف: تاریخ پزشکی ایران قدمتی کهن و سابقه‌ای درخشان دارد. این درخشش در اعتلای دانش طب در تمدن اسلامی نیز به چشم می‌خورد. هدف از مطالعه حاضر، جستاری در زندگی و آثار علمی اطبای طبرستان در دوره ایران اسلامی است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از کلیدواژه‌های پزشکان طبرستان، تاریخ پزشکی طبرستان، مازندران و طب ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. گردآوری داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و پایگاه‌های اطلاعاتی انجام گرفته است.

یافته‌ها: طبرستان بخشی از جغرافیای ایران بوده که با ظهور اسلام، مهد حکما و اطبایی شده که با خلق آثار ماندگار، موجب پویایی مکتب پزشکی اسلامی گردیده‌اند. در دوره ایران اسلامی، پزشکان نامداری همچون علی‌بن‌ربّن طبری، سید اسماعیل جرجانی، ابوالحسن طبری، ابوسهل مسیحی و ابن هندوی طبرستانی در نقاط مختلف طبرستان می‌زیسته و طبابت می‌کرده‌اند. آن‌ها با خلق آثاری همچون فردوس‌الحکمه فی‌الطب، ذخیره خوارزمشاهی، المعالجات البقراطیه، المائه فی‌الطب و مفتاح الطب و منهاج الطلاب سهم بسزایی در رشد دانش پزشکی در ایران و تمدن اسلامی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: اندیشمندان طبرستانی در تألیف و تدوین بسیاری از رشته‌های تخصصی دانش پزشکی مانند چشم‌پزشکی و پزشکی اطفال پیشگام بوده‌اند. این مهم از سویی، سند تاثیر دانشمندان طبرستانی در شکوفایی تاریخ پزشکی ایران و از سوی دیگر سند هویت این سرزمین کهن به شمار می‌رود. امید است این پژوهش بتواند چهره واقعی پزشکی طبرستان و نقش پزشکان در پیشرفت دانش پزشکی ایران را به نسل امروز بشناساند.

واژگان کلیدی: **تاریخ پزشکی، پزشکان طبرستان، مازندران، ایران اسلامی، طب ایرانی**

استناد: جمال رضایی اوریمی، سیده زهرا آدابی‌نیا، طاهره شاکری، سید محمد هاشمی‌مهر. جستاری در زندگی و آثار علمی پزشکان طبرستان در دوره ایران اسلامی. نشریه اسلام و سلامت. ۱۴۰۲؛ ۸(۱): ۶۹-۵۳.

© The Author(s)
Publisher: Babol University of Medical Sciences

* **مسئول مقاله:** سید محمد هاشمی‌مهر
آدرس: بابل، خیابان گنج‌افروز، دانشگاه علوم پزشکی بابل، گروه تاریخ پزشکی.
رایانامه: paul_wetmore@yahoo.com

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

مقدمه

با شکست ساسانیان در برابر اعراب مسلمان و پذیرش اسلام، دوره جدیدی در تاریخ ایران آغاز شد که محققان، از آن تحت عنوان «دوره ایران اسلامی» نام می‌برند. دوره ایران اسلامی یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین ادوار تاریخی این سرزمین به شمار می‌آید. تغییر دین، ظهور مکاتب فکری و فرق مذهبی به همراه بروز تحولات عظیم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، دگرگونی‌های عمیق و همه‌جانبه‌ای را در این سرزمین رقم زد و تحولات بنیادینی را از درون خود خلق کرد (۱ و ۲).

بر این اساس، دانش پزشکی از اولین علومی بود که در دوره اسلامی مورد توجه قرار گرفت. در این بین، از تمدن‌های مختلف، کتب طبی و ترجمه‌های آن در میان مسلمانان راه پیدا کرد، تأسیس بیمارستان‌ها، مراکز آموزش علوم پزشکی و تالیف آثار ارزشمند توسط اطبای مسلمان، موجب رشد و توسعه پزشکی در سرزمین‌های اسلامی شد (۳ و ۴) و اساس همه این تحولات حضور طبیبانی بود که این درخشش را رقم زدند (۵). بر این اساس طبرستان طی اواخر دوره ساسانی و پس از آن؛ محلی برای علم و دانش بوده و محافل علمی آن نماینده جریان علمی روزگار ساسانی محسوب و در انتقال این دانسته‌ها به جهان اسلام اثرگذار بوده‌اند. طبرستان از جمله سرزمین‌هایی بود که تحت تاثیر این نهضت، اطبای زیادی را پرورش داده است (۶). از این رو تحقیق و تفحص در شرح احوال و آثار طبی پزشکان طبرستانی می‌تواند از مهمترین ابعاد بررسی وضعیت دانش پزشکی در در دوره ایران اسلامی باشد.

سرزمینی که امروزه مازندران نامیده می‌شود، پیش از اسلام با نام ساتراپ تپوری و تپورستان و پس از اسلام با نام طبرستان شناخته می‌شد که برگرفته از نام قوم تپور یا تبری است. تپوری‌ها قومی باستانی و ایرانی‌تبار بودند که در جنوب دریای مازندران، منطقه تپورستان و همچنین نواحی هیرکانیا، پارت، ماد، سکاستان و ارتفاعات شرقی البرز سکونت داشتند (۷ و ۸). طبرستان در دوره هخامنشی، به همراه خوارزم، سغد، هرات و هیرکانی بخشی از ساتراپ شانزدهم ایران بود و فرمانروایی جداگانه‌ای داشت (۹).

جغرافی‌نویسان در طول تاریخ برای طبرستان حدود و مرز متفاوتی را ذکر کرده‌اند، گاهی آن را با ایالت گرگان یکی دانسته و زمانی آن را جزو استان قدیم هیرکانی برمی‌شمردند. یاقوت حموی (قرن ششم و هفتم هجری)، طبرستان را یک سرزمین وسیع با شهرهای بزرگی چون دهستان، جرجان، استرآباد، آمل، ساری و ... تا شالوس[۱] در غرب معرفی می‌کند (۱۰). حمداله مستوفی در نزهه القلوب، طبرستان را به هفت اقلیم تقسیم کرده است: «اول تومان جرجان که دارالملک آنجاست، دوم مورستاق، سوم استرآباد، چهارم آمل و رستمدار، پنجم دهستان، ششم روغد، هفتم سیاه رستاق» (۱۱) و حافظ ابرو[۲] در زیر عبارت جرجان، آن را در جنوب شرق دریای خزر و از توابع مازندران دانسته است» (۱۲). با این اوصاف، می‌توان چنین گفت که طبرستان از نظر وسعت و قلمرو، در ادوار مختلف تاریخ، منطقه‌ی گسترده‌ای از دریای خزر در شمال تا سلسله جبال البرز در جنوب و از گیلان در غرب تا گرگان در شرق را در برمی‌گرفته است.

با ورود اسلام به ایران (در حدود اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری) به تدریج دین اسلام در طبرستان نیز نفوذ کرد. به نظر می‌رسد که گرویدن مردم طبرستان به دین اسلام موجب ایجاد تاثیرات زیادی در علم طب گردیه است. آثار علمی و پزشکی به تدریج به زبان عربی نگاشته شدند. پزشکان و دانشمندان طبرستان با مراکز علمی همچون بغداد ارتباط برقرار کرده و در دربار خلافت حاکمان مشغول به کار شدند و برخی آثار طبی خویش را به آنان تقدیم نمودند. همچنین کتب متعددی از زبان‌های یونانی به زبان عربی ترجمه گشت (۱۳ و ۱۴).

این پژوهش تلاش می‌کند تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: در سرزمین طبرستان چه پزشکانی می‌زیستند؟ آنان در کدام منطقه جغرافیایی و دوره تاریخی زندگی نموده و چه آثار علمی داشته‌اند؟ آیا مراحل فراگیری و تحصیل دانش طب را در طبرستان گذرانده‌اند؟ پژوهش حاضر علاوه بر اینکه تلاشی در جهت نمایاندن پیشینه‌ی پزشکی طبرستان در دوران بعد از ظهور اسلام است، می‌تواند گامی کوچک در معرفی نقش اطبای طبرستان در تولید و توسعه دانش طب در دوره ایران اسلامی باشد. در این مطالعه سعی بر آن است تا با توجه به شواهد و مدارک موجود به شرح احوال پزشکان طبرستان و آثار علمی آنها پرداخته شود.

---

۱ . چالوس

۲ . شهاب‌الدین عبدالله (یا نوراللہ) بن لطف‌الله بن عبدالرشید خوافی معروف به حافظِ اَبرو (درگذشته‌ی ۸۳۳ هـ ق) تاریخ‌نگار و جغرافیدان مشهور ایرانی در عصر تیموری

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

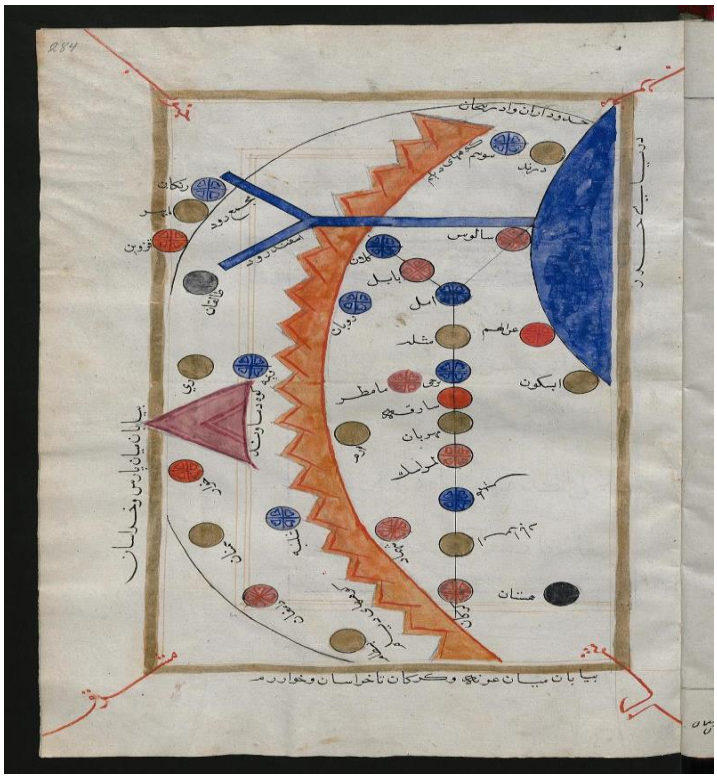

تصویر ۱. نقشه طبرستان در کتاب مسالک الممالک نوشته اصطخری در سال ۳۴۰ ه. ق

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است. منابع دست اول کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و کتاب‌های مرتبط با موضوع و عنوان پژوهش حاضر با استفاده از کلیدواژه‌های پزشکان طبرستان، تاریخ پزشکی طبرستان، مازندران و طب ایرانی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. برای دستیابی به اطلاعات تکمیلی، پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر از قبیل Magiran، Noormags و SID نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

بخش نخست: شرح احوال پزشکان طبرستان

۱. ربّن الطبری

با توجه به متون تاریخی، ربّن الطبری پدر علی بن ربّن طبری از نخستین پزشکان طبرستان بعد از ظهور اسلام و از تربیت‌یافتگان حوزه‌ی علمی مرو، مسیحی و به قولی یهودی بوده است. وی در طب، نجوم و ریاضیات ماهر و از مترجمان معروف زمان خود بود (۱۵). ربّن الطبری که از بزرگان مرو محسوب می‌شد، طب را به عنوان حرفه خانوادگی و برای خدمت به خلق فرا گرفت و به همین جهت به ربّن یعنی سرور و معلم، ملقّب گردید (۱۶). طبق گفته القفطی، «ربّن اصلا یهودی، منجم و طبیبی حاذق و در علوم هندسه و انواع ریاضیات سرآمد بوده و کتاب‌های بسیاری از زبانی به زبان دیگر ترجمه نموده است» (۱۷). ابن ابی اصیبعه نیز ربّن الطبری را طبیب و منجم دانسته و برتری و تقدم او را ذکر کرده است (۱۸). از جمله منقولات وی نسخه‌ای از المجسطی است که از یونانی به عربی ترجمه نموده که کامل‌تر از سایر نسخه‌های منقول است (۱۹).

۲. علی بن ربّن طبری

ابوالحسن علی بن ربّن طبری معروف به ابن ربّن طبری اولین پزشک بزرگ عالم اسلام و ایران است که او را به همراه رازی، ابن سینا و اهوازی یکی از چهار طبیب بزرگ ایران و جهان اسلام محسوب می‌کنند (۲۰). درباره‌ی زمان دقیق تولد او در منابع اختلاف نظر است، برخی تولد او را سال ۱۵۷ ه. ق و بعضی

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

دیگر سال ۱۹۲ ه.ق ذکر کرده‌اند. وی در شهر مرو که در آن زمان یکی از شهرهای طبرستان بود به دنیا آمد (۱۶ و ۲۱). ابن ابی اصیبعه وی را مردی ادیب و معلم رازی در صنعت طب می‌داند که محل ولادت و نشو وی طبرستان بوده است (۱۸). بعضی از مورخان دین قبلی او را یهودی نوشته‌اند و برخی دیگر مانند طبری و ابن خلکان آیین پیشین او را مسیحی می‌دانند (۲۲ و ۲۳). علی بن ربن، در کتاب الدین و الدوله نوشته است که ابتدا مسیحی بوده و سپس با تفکر در اندیشه‌های اسلامی و معانی قرآنی به اسلام گرویده است (۲۴). ابن ربّن طبری در فردوس الحکمه به حضور خویش در طبرستان از دوران کودکی تا کهنسالی اذعان کرده که به مشاهده و کسب تجربه درباره پدیده‌های مختلف طبرستان پرداخته است (۶). ابن ربّن ابتدا طب را نزد پدر فرا گرفت و بعد خود به تکمیل آن پرداخت، مدت‌ها در طبرستان زندگی کرد و به خدمت مازیار بن قارن درآمد و دبیری او را به عهده داشت (۲۵). پس از شکست مازیار در حدود سال ۲۲۵ ه.ق طبرستان را ترک کرد و به ری آمد و در این شهر بود که محمد بن زکریای رازی به خدمت او رسید (۲۶ و ۲۷). بعد از مدتی علی بن ربّن از ری به سامرا رفت و مورد توجه معتصم و متوکل عباسی قرار گرفت، در آنجا به اسلام گروید. سرانجام این دانشمند و طبیب طبرستانی در سال ۲۶۰ ه.ق چشم از جهان فرو بست (۲۸). مهمترین آثار او عبارتند از: «فردوس‌الحکمه فی الطب، منافع الادویه و الاطعمه، حفظ الصحه، فی ترتیب الاغذیه و تحفه الملوک» (۳).

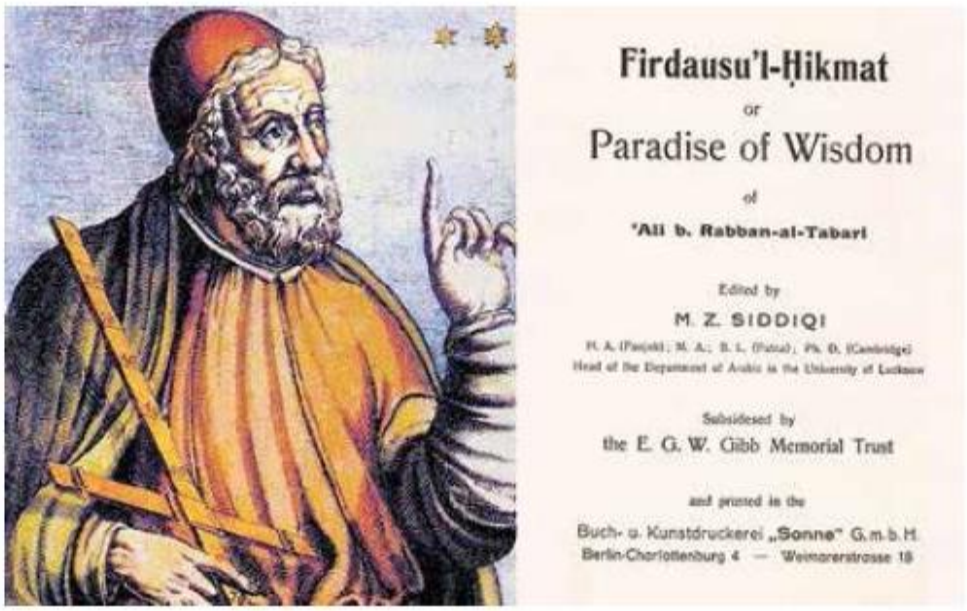

تصویر ۲. تصویری از علی بن ربن طبری و کتاب فردوس الحکمه در کتابخانه لکنهو هند

۳. ابو الحسن احمد بن محمد طبری ترنجی

ابوالحسن احمد بن محمد طبری ترنجی از اطبا و دانشمندان معروف ایرانی در نیمه اول قرن چهارم ه.ق است که در سال ۲۹۶ ه.ق در منطقه ترنجه طبرستان، شهرکی میان آمل و ساری زاده شد و از این رو به ترنجی معروف است. وی ابتدا به طبابت در دستگاه ابوعبدالله بریدی مشغول شد و پس از مرگ او، از اطبای مخصوص رکن الدوله دیلمی گردید. ابوالحسن طبری به همراه علی بن عباس اهوازی و ابن مندویه اصفهانی از شاگردان ابو ماهر موسی بن سیار شیرازی (قرن سوم و چهارم هجری) بودند (۲۹). ابن ابی اصیبعه ابوالحسن را اهل طبرستان و در علم طب، عالم و فاضل می‌دانست (۱۸). ابوریحان بیرونی در الصیدنه به دفعات از ابوالحسن ترنجی یاد کرده است (۲۸) و سید اسماعیل جرجانی نیز بارها با احترام به تحقیقات و دستاوردهای وی اشاره می‌کند (۳۰). یولیوس هیرشبرگ[۳] (۱۸۴۳ـ ۱۹۲۵م)، چشم‌پزشک و تاریخ‌نگار چشم پزشکی آلمانی، او را مطب‌داری برجسته، با تجربیات بسیار و افکاری بدیع می‌داند که هنوز چنان که باید مورد بزرگداشت قرار نگرفته است (۳۱). ابوالحسن طبری محقق برجسته‌ای بود، مشهورست که در دهات و ولایات مختلف می‌گشت و از مردم خواص طبی گیاهان و نحوه معالجه‌ی آن‌ها را فرا می‌گرفت (۳۲). او از سنن درمانی اطبا و مردم نواحی مختلف ایران و جهان اسلام بهره می‌برد، چنانکه مار گزیدگی و

۳. Julius Hirschberg

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

راسو گزیدگی را از مردم خوزستان و شیوه درمان گزش موش را از مردم سیستان فرا گرفته بود. فوت او احتمالا در سال ۳۷۵ ه.ق رخ داده و کتاب المعالجات البقراطیه از آثار ارزشمند اوست (۲۰).

٤. ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی

از پزشکان، فیلسوفان، ستاره‌شناسان و ریاضی‌دانان بزرگ ایرانی و معاصر با ابوعلی سینا است که او را فیلسوفی بی‌همتا و طبیبی فرزانه در فنون طبیّ و علوم ادبی عهد خود و صاحب خط خوش می‌دانند، وی در نیمه دوم قرن چهارم ه.ق در گرگان به دنیا آمد (۳۳). بعد از مدتی به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل علم طب و علوم اساسی پرداخت، سپس به خراسان رفت و در آنجا شهرت یافت. برخی همچون ابن ابی اصیبعه و ابن العبری او را در پزشکی استاد ابن سینا می‌دانند (۱۸ و ۳۴). اما سیریل الگود در مورد ابوسهل می‌گوید: «چون ابن سینا به سن ۱۶ سالگی رسید بنا به توصیه ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی که از اطبای جرجان بود به تحصیل علم طب پرداخت (۳۱). ابوسهل از دوستان نزدیک ابوریحان بیرونی بود و برخی از آثارش را نیز به نام وی نگاشت (۲۸). بسیاری از بزرگان در تسلط او بر پزشکی تأکید داشته و حتی برخی او را برتر از ابن سینا دانسته‌اند (۱۸ و ۳۴). قطب‌الدین شیرازی در تحفه سعدیه که شرحی مفصل بر قانون ابن سیناست، از نظریات ابوسهل بیشتر از دیگر دانشمندان بهره برده و در بعضی موارد، نظر وی را بر آراء ابن سینا و دیگران ترجیح داده و می‌گوید: «مسیحی در طب، اعلم از بوعلی بود» (۳۵).

وی مدتی در طبرستان نزد اسپهبد مرزبان[۴] زندگی کرد و کتابی برای او نوشت، سپس رهسپار خوارزم شد و به دنبال همنشینی با دانشمندان دربار مامون خوارزمشاه، به جایگاه بلندی رسید. قفطی کتاب المائه فی الطب وی را یکی از بهترین آثار پزشکی می‌داند (۱۷). از کتاب‌های دیگر پزشکی ابوسهل مسیحی رساله ادویه، اصول علم نبض، الطب الکلی، إظهار حکمهٔ الله فی خلق الانسان، فی العلم الطبیعی، اختصار کتاب المجسطی، کتاب تعبیر الرؤیا، کتاب فی الباه، رسالهٔ فی ماهیه الجدری، تدبیره و رساله فی تحقیق أمر الوباء و الإحتراز عنه و إصلاحه إذا وقع را می‌توان ذکر کرد (۳۱ و ۳۳). ابوسهل مسیحی جرجانی سرانجام هنگام مسافرت با ابن سینا از دیار خوارزم به سوی گرگان در بین راه و در سن چهل سالگی درگذشت (۳۶). تاریخ مرگ ابوسهل را سال ۴۰۱ ه.ق ذکر کرده‌اند (۳۷).

٥. ابوعبدالله حسین بن ابراهیم بن حسین طبری

حسین بن ابراهیم بن حسین بن خورشید الطبری الناتلی از علما و پزشکان بزرگ جهان، شاگرد ابوالفرج الطبیب[۵] و استاد ابوعلی سینا بود که در منطق و ادبیات نیز تبحّر داشت (۱۸). ناتلی در اوایل سده چهارم هجری قمری در منطقه ناتل از توابع شهرستان نور در مازندران زاده شد. شواهد چنین نشان می‌دهد که طبرستان و ناتل صرفاً خاستگاه اجدادی ابوعبدالله ناتلی نبوده، بلکه خودش نیز مدتی در آنجا زندگی کرده و در متن کتاب اصلاح حشایش از مشاهدات خود درباره پوشش گیاهی مازندران سخن گفته است (۳۸).

ناتلی در منطق، فلسفه، هندسه و نجوم آموزگار ابوعلی سینا در بخارا تا سن ۱۶ سالگی بود (۱۸). صاحب تتمه صوان الحکمه از قول ابن سینا می‌گوید که: «از ناتلی قوانین منطق را فرا گرفتم و به مسائل و مشکلاتی برخوردم که او را شگفت‌زده می‌کرد» (۳۹). ابوعبدالله ناتلی از معدود دانشمندان سرزمین‌های شرقی اسلام است که به بررسی کتاب الحشایش دیسکوریدوس پرداخته، او ترجمه‌ی تصحیح شده‌ی الحشائش دیوسکوریدس را در سال ۳۸۰ ه.ق به عربی گِرد آورد و به امیر ابوعلی سیمجوری اهدا کرد (۳۱). این ترجمه در کتابخانه خدابخش شهر بانکی‌پور هندوستان نگهداری می‌شود (۴۰). ناتلی مدت کوتاهی پس از اقامت در بخارا راهی دربار مامون بن محمد خوارزمشاه (۳۸۵–۳۸۷ق) در گرگانج شد و پس از آن از زندگی او اطلاعاتی وجود ندارد (۳۸).

او در کتاب اصلاح حشایش، نام طبرستانی بعضی از اسامی یونانی ادویه‌ها و گیاهان را ذکر کرده است که عبارتند از: «بل، بنج، ولک، تمش، جماز، خربون، دارجماز، داروَاش، ساذه ولو ملیک، سُرک، شنبلی، فلفُلک، کرتمش، کلاج پای، لرزم، لَرک و طُوسه، مار زُوان، مار مَرجوا، مسک، وُشواُذِن، ولوملیک، ویرَنا». ناتلی در مورد نام طبری برخی داروها این‌گونه اشاره می‌کند: «قورونوفوس و هو رجل الغراب. هو نبات منبسط علی الارض... و اهل طبرستان یسمونه کلاج بای...اقسوس و هو الدبق. و اهل طبرستان یسمونه داروَاش...باطوس و هو العلق و اهل طبرستان یسمونه تَمِش...» (۳۸). از ابوعبدالله ناتلی آثاری چون: اصلاح ترجمه کتاب الحشائش فی الهیولی فی العلاج الطبی دیوسکوریدس، رساله‌ای در کیمیا، راز طول عمر (کمیه العمر الطبیعی) و رساله‌ای در وجود و شرح اسمه به جای مانده است (۲۸ و ۳۹).

٦. ابو روح محمد بن منصور بن ابی عبدالله بن منصور یمانی جرجانی

ابوروح محمد بن منصور بن ابی عبدالله بن منصور یمانی جرجانی، در قرن ۵ ه.ق، در جرجان (گنبد کاووس فعلی) به دنیا آمد (۴۱). وی از چشم‌پزشکان و جراحان نامدار دربار ملکشاه سلجوقی بوده و به علت شهرت و موفقیت زیادی که در این علم به دست آورده بود به لقب «زرین دست» معروف شد. گویا پدرش

۴ . پسر شروین از امیران آل باوند که مدتی بر فریم و شهریار کوه امیر بود.

۵ . پزشک و فیلسوف بزرگ که زبان یونانی می‌دانسته و تفسیرهایی بر تألیفات ارسطو، بقراط و جالینوس نوشته است.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

نیز به حرفه طبابت مشغول بوده، چنان‌که در مقدمه کتاب نورالعیون به آن اشاره کرده و می‌گوید: «و آنان که مرا و پدر مرا تجربه کردند، همه اندر این کتاب یاد کردم» (۴۲). سیریل الگود او را اولین و بزرگترین چشم‌پزشک ایران معرفی می‌کند (۳۱). نور العیون کتاب ارزشمند اوست (۴۲).

۷. ابن هندو طبرستانی

ابوالفرج علی بن حسین بن هندو طبرستانی، پزشک، فیلسوف، کاتب و ادیب معروف طبرستانی در نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ه.ق می‌زیست. ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان در مورد ابن هندو می‌گوید: «اگرچه پدران او قمی بودند، امّا محل تولد او طبرستان بود و مضجع و مرقد به استراباد به سرایی که ملک او بود اتّفاق افتاد» (۲۵). ابن هندو فلسفه و علوم را در نیشابور فرا گرفت، استادش در پزشکی، ابوالخیر حسن بن سِوار ابن خمار بود، مدتی در بغداد زندگی کرد، سرانجام به گرگان رفت و در سال ۴۲۰ ه. ق در آن دیار بدرود حیات گفت (۲۰). ابن هندو در نویسندگی مهارت بسزایی داشت (۱۰). مدتی در دیوان انشاء عضد الدولهٔ دیلمی، سمت منشی را داشته (۳۹) و مدتی نیز از کاتبان سیّده خاتون مادر مجد الدوله بوده است (۴۳). ابن هندو مدرّسی توانمند بود و در حلقه درس او، شاگردان فراوانی از نواحی مختلف جمع می‌شدند و فلسفه، طب و شعر و ادب می‌آموختند. مهمترین اثر او در پزشکی، مفتاح الطب و منهاج الطلاب است. سایر آثار ابن هندو عبارتند از: «دیوان، رسائل، انموذج الحکمه، الرسالهٔ المشوّقهٔ فی المدخل إلی الفلسفه، النفس، الکلم الروحانیهٔ من الحکم الیونانیه، الوساطهٔ بین الزّناهٔ و اللّاطهٔ، البلغهٔ من مجمل الحکمه، نزهه العقول، الفرق بین المذکّر و المؤنث، المساحه» (۴۴).

۸. سید اسماعیل جرجانی

امیر سید امام زین الدین اسماعیل بن حسن بن محمد بن محمود بن احمد حسینی جرجانی از اطبا و دانشمندان مشهور ایران و جهان در سده‌ی پنجم و ششم هجری است. او در سال ۴۳۴ ه.ق در شهر جرجان متولد شد. جرجانی، پزشک پارسی‌نویس ایرانی، در زادگاه خود گرگان شروع به تحصیل نمود، سپس برای علم‌آموزی به عراق عجم، خوزستان و فارس سفر کرد و با بسیاری از پزشکان نامدار دیدار و ملاقات کرد. استاد وی در پزشکی ابن ابی صادق نیشابوری[۶]، از شاگردان برجسته‌ی ابوعلی سینا بود. جرجانی علاوه بر طب، در فقه و حدیث هم مهارت داشت. وی پس از نیشابور، رهسپار مرو شد و سال‌های زیادی در آنجا به طبابت و تحقیق مشغول بود. سید اسماعیل در سال ۵۰۴ ه.ق رهسپار خوارزم شد و به دربار قطب‌الدین محمد، سرسلسله خوارزمشاهیان پیوست و در آنجا چهار کتاب مهم پزشکی ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه، خفی علایی و یادگار را نوشت (۴۷–۴۵). حکیم جرجانی، بنیان‌گذار مکتب ایرانی در طب اسلامی و جزو اولین پزشکان ایرانی بود که کتاب ارزشمند خود ذخیره خوارزمشاهی را در یازده جلد به زبان فارسی تألیف کرد. وی در جرجان به سال ۵۳۱ ه.ق درگذشت (۴۸).

۹. امام فخر رازی طبرستانی

امام فخرالدین محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی رازی طبرستانی مشهور به ابن خطیب رازی و امام المشککین، فقیه بزرگ شافعی از حکما و اطبای بزرگ عالم اسلام و جامع علوم عقلی و نقلی است. اصل او طبرستانی بود، ولی چون در سال ۵۴۴ ه.ق در ری متولد شد، به امام فخر رازی معروف است. پدرش ضیاءالدین عمر بن حسین رازی آملی، خود از عرفا و علمای بزرگ بود که از آمل به ری سفر کرده بود. امام فخر رازی، در سرخس به خدمت عبدالرحمن سرخسی از اطبای معروف آن زمان رسید، سپس به بخارا رفت و نزد علاءالدین تکش تقرب یافت و سرانجام در هرات اقامت گزید و به کار تدریس، تالیف و خطابه پرداخت. او در فلسفه، حکمت و طب متبحر بود. کتاب‌های جامع الکبیر، التشریح، النبض، الاشربه، الزبده، لطائف غیاثیه و شرح کلیّات قانون از تألیفات پزشکی او می‌باشد. فخر رازی در سال ۶۰۶ ه.ق در شهر هرات بدرود حیات گفت (۲۳، ۴۸ و ۴۹).

۱۰. شمس الدین محمد بن محمود آملی طبرستانی

علامه شمس الدین محمد بن محمود آملی از اهالی آمل طبرستان، از دانشمندان شیعه و برجسته قرن هشتم ه.ق و معاصر حافظ شیرازی است. او طبیبی فاضل بود و در فنّ مناظره مهارت داشت. تاریخ ولادت او دقیقا مشخص نیست، احتمالا ایشان در نیمه دوم قرن هفتم ه.ق در آمل به دنیا آمده و برای تحصیل علوم محضر اساتید بزرگی را در چند شهر درک نمود. وی در زمان سلطان محمد خدابنده اولجایتو و سلطان ابوسعید بهادرخان، مدرس مدرسه سلطانیه بود و با قاضی عضدالدین ایجی مناظرات و مباحثاتی داشت. پس از مرگ ابوسعید به شیراز رفت و در سال ۷۵۳ ه.ق در آنجا درگذشت. مزار او در آرامگاه مصلی در شیراز قرار دارد. علامه آملی در دوران عمرش به سفرهای زیادی رفت و از این راه دانش‌های فراوانی کسب کرد. وی چندین کتاب در زمینه طب، مسائل علمی و فقه نگاشت. از جمله کتاب‌های طبی او شرح کلیات قانون ابوعلی سینا و شرح کلیات ایلاقی است. مهمترین اثر شمس الدین آملی کتاب نفائس الفنون فی عرایس العیون، در شرح موضوعات مختلف علوم بوده که از جمله کتاب‌های معتبر فارسی شمرده می‌شود و در آن از ۱۲۰ نوع علم و چندین فنون نام برده شده است. این کتاب، حکم دائرةالمعارف جامع و مفصلی در علوم قدیم را دارد که در نهایت تبحر و دقت نوشته شده و در همه انواع و ابواب چنانکه شایسته است از عهده کار خود برآمده و مطالب پیچیده علمی را با انشایی درست و متقن به صراحت و درستی ادا کرده است (۴۸، ۵۰ و ۵۱).

---

۶. بقراط ثانی

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

جدول ۱. پزشکان طبرستان در دوره ایران اسلامی

ردیف	نام	قرن	محل تولد	محل فوت	آثار
۱	ربّن طبری	دوم	طبرستان	–	ترجمه کتاب المجسطی (۱۹)
۲	علی بن ربّن طبری	دوم و سوم	طبرستان	–	فردوس الحکمه فی الطب، الدین و الدولهٔ فی اثبات نبوهٔ النبی محمد(ص)، تحفهٔ الملوک، فی الحجامهٔ، فی ترتیب الاغذیهٔ، عرفان الحیاهٔ یا ارفاق الحیاهٔ، فی الرقی، حفظ الصحهٔ، الکتاب اللؤلؤ، کتاب الرد علی نصاری، کناش الحضره، فی الامثال و الادب علی مذاهب الفرس و الروم و العرب، منافع الاطعمه والاشربه و العقاقیر، البرهان و بحر الفوائد (۳ و ۱۸)
۳	ابوالحسن طبری ترنجی	چهارم	ترنجه	–	کتاب معالجات بقراطیه، علاج الاطفال، کتاب الفصول، رساله معالجه با فصد، رسالهٔ فی ذکر القاروره، مقاله فی طب العین و العین فی المعالجات (۵۲)
۴	ابوسهل مسیحی جرجانی	چهارم	جرجان	–	کتاب المأه (یک‌صد گفتار در پزشکی)، الطب الکلی، اظهار حکمه اللّه فی خلق الانسان، منتخب العلاج، فی العلم الطبیعی، اصول علم النبض، رسالهٔ فی تحقیق سوء المزاج، مقاله فی الجدری (آبله)، اختصار کتاب المجسطی، تعبیر الرؤیا، کتاب فی الوباء وکتاب فی الباه (۳۱ و ۳۳)
۵	ابوعبداله ناتلی طبری	چهارم	ناتل	–	اصلاح ترجمه کتاب الحشائش فی الهیولی فی العلاج الطب دیوسکوریدس، رساله‌ای در کیمیا، کتاب راز طول عمر و رساله‌ای در وجود و شرح اسمه (۲۸ و ۳۸)
۶	ابن هندوی طبرستانی	چهارم و پنجم	طبرستان	گرگان	مفتاح الطب و منهاج الطلاب، دیوان رسائل، انموذج الحکمه، الرسالهٔ المشوّقهٔ فی المدخل إلی الفلسفهٔ، النفس، الکلم الروحانیهٔ من الحکم الیونانیهٔ، الوساطهٔ بین الزّناهٔ و اللّاط، البلغهٔ من مجمل الحکمهٔ، نزههٔ العقول، الفرق بین المذکّر و المؤنث، المساحهٔ (۵۳)
۷	ابوروح جرجانی	پنجم	جرجان	–	نورالعیون و کتابی در جراحی (۴۲)
۸	سید اسماعیل جرجانی	پنجم و ششم	جرجان	مرو	ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه، خفی علایی، یادگار، زبده الطب، الطب الملوکی، التذکرهٔ الاشرفیه فی الصناعهٔ الطبّیه، تدبیر یوم و لیله، الرد علی فلاسفه، رساله المُنَبِّهه، کتاب فی القیاس، رساله در اخلاق، رساله در کلمات حکمت آمیز و سیر و سلوک، رساله در بهداشت (۴۵)
۹	امام فخر رازی طبرستانی	ششم و هفتم	ری	هرات	جامع الکبیر، التشریح، النبض، الاشربه، الزبده، شرح کلّیّات قانون، لطایف غیاثیه، جامع العلوم یا حقایق الانوار فی حقایق الاسرار و رساله‌های بیطره و بزاه (۲۰)
۱۰	شمس الدین آملی طبرستانی	هفتم و هشتم	آمل	شیراز	نفایس الفنون فی عرایس العیون، شرح کلیات قانون ابوعلی سینا و شرح کلیات ایلاقی (۲۰)

با مطالعه متون تاریخی در قرن‌های اولیه تمدن اسلامی، اطبای دیگری نیز مانند حاسب طبری، پزشک عهد خلفای بنی عباس (۱۸)، ابوالفرج رشید بن عبدالله الطبیب الاسترابادی پزشک عصر قابوس شمس المعالی (۲۵)، ابوالفتوح جرجانی در نیمه دوم قرن چهارم ه.ق، ابوسعید جرجانی (۲۶) و منصور بن ابی عبدالله بن منصور جرجانی پدر ابوروح جرجانی (۴۲) از اطبای قرن چهارم، ابوالهیثم جرجانی در قرن چهارم و پنجم (۵۴)، بهاءالدین ابوالشفاء محمود بن ابی الفضل طبری (۴۹) و ابوالفضایل (رکن الدین) حسن استرآبادی با کتاب مرآه الشفاء در پزشکی در قرن هفتم ه.ق (۵۵) دیده می‌شوند که در طبرستان زندگی می‌کردند.

بخش دوم: معرفی آثار طبی پزشکان طبرستان

چنانکه گفته شد، اطبا و حکمای بیشماری در ناحیه‌ی طبرستان می‌زیسته‌اند که از آن‌ها آثار مهم و تاثیرگذاری باقی مانده که اغلب متعلق به دوره ایران اسلامی است.

۱. فردوس الحکمه فی الطب

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

فردوس الحکمه فی الطب یا بحر المنافع و شمس الادب (۲۱) مهم‌ترین اثر علی بن ربّن طبری دانشمند بزرگ طبرستانی است که به زبان عربی و در طبرستان نوشته شده و در سال ۲۳۶ ه.ق در سامرا تکمیل گردیده است (۲۶). این کتاب را محمد زبیر الصدیقی به توصیه ادوارد براون تصحیح و در سال ۱۹۲۸ م در برلین چاپ و منتشر کرد (۲۰). فردوس الحکمه در ۷ قسمت، ۳۰ مقاله و ۳۶۰ باب در قالب یک دوره کامل پزشکی، درمان و بهداشت نوشته شده و اثری درخشان در سرآغاز دوران تألیف کتب طبی بعد از دوران ترجمه کتاب‌های طبی یونانی و سریانی است و چون از اولین کتب پزشکی اسلامی بوده، آرا و نظرات دانشمندان قدیم در آن بسیار منعکس شده است (۵۶). در این کتاب علاوه بر طب، مطالبی درباره کشاورزی، هواشناسی، زمین‌شناسی، مردم‌شناسی، حیوان‌شناسی و گیاه‌شناسی منطقه طبرستان آمده (۲۰) و کلیات طب هندی و شیوه درمان آنها بر اساس منابع پزشکی هندی مطرح شده است (۳). نویسنده به وضوح بیان نموده که مطالب و دلائل مورد نیاز جهت تالیف کتاب مذکور را در طبرستان گردآوری کرده و در زمان اتمام کتاب، مجبور به ترک وطن شده است (۲۱). ابن ربّن طبری در جای جای کتاب خود به آزموده‌ها، مناظرات خود و رویدادهای زمانه‌اش به‌ویژه در سال‌های اقامت در طبرستان اشاراتی دارد. فردوس الحکمه را می‌توان یکی از منابع معتبر روش تالیف کتب پزشکی در تمدن اسلامی دانست که بعدها بسیاری از نویسندگان به شیوه و رسم این کتاب، تالیفات خود را نظم بخشیده‌اند (۳). فردوس الحکمهٔ فی الطب، قدرت و عمق دانش پزشکی را در اوایل دوره اسلامی نشان می‌دهد (۵۷).

تصویر ۳. مجسمه علی بن ربّن طبری دانشمند بزرگ طبرستانی و مولف کتاب فردوس الحکمه فی الطب در مجتمع پیامبر اعظم (ص) دانشگاه علوم پزشکی مازندران (پاییز ۱۳۹۳)

۲. المعالجات البقراطیه

معالجات البقراطیه مهمترین کتاب ابوالحسن طبری ترنجی طبیب مازندرانی قرن ۴ ه.ق است که در ده جزء و شامل معالجه‌ی انواع بیماری‌ها و تشریح اعضای مختلف بدن انسان است (۵۸). در این اثر، پس از گزارش بیماری‌ها به صورت مجزا، علائم، دلائل، علل و معالجه‌ی آن‌ها بیان شده است. همچنین مباحثی از طبیعت‌شناسی به ویژه نیروی روشنایی و آواز، روانشناسی، اخلاق، سیاست، دین و الهیات در این کتاب آمده و از فیثاغورس، افلاطون، ارسطو، پرکلوس، جالینوس، یحیی نحوی و یحیی بن عدی نام برده شده است (۳۱). چشم‌پزشکی از مباحث مهم کتاب و مشتمل بر ۲۰ باب و ۳ الحاقیه در بیان تشریح چشم، بیماری هر قسمت از چشم به صورت مجزا، بیماری‌های پلک، ابرو، مژه و امراض عمومی چشم است. توجه به آرا پزشکان در معرفی، علائم و مداوای بیماری‌ها باعث شده که کتاب المعالجات البقراطیه پس از تألیف مورد توجه سایر پزشکان قرار گرفته و مطالب آن در آثار مکتوب دیگران نقل شود. نظامی عروضی در چهار مقاله می‌گوید: «کتاب معالجات بقراطی که اندر طب کس چنان کتابی ندیده است» (۳۶). همچنین ابن ابی اصیبعه ضمن برشمردن آن به عنوان یک کناش طبی، می‌گوید: «در این کتاب بیماری‌ها و مداوای هر یک را به‌طریق استقصاء و کامل‌ترین صورتی ذکر کرده است و مشتمل بر مقالات بسیار است (۱۸).

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

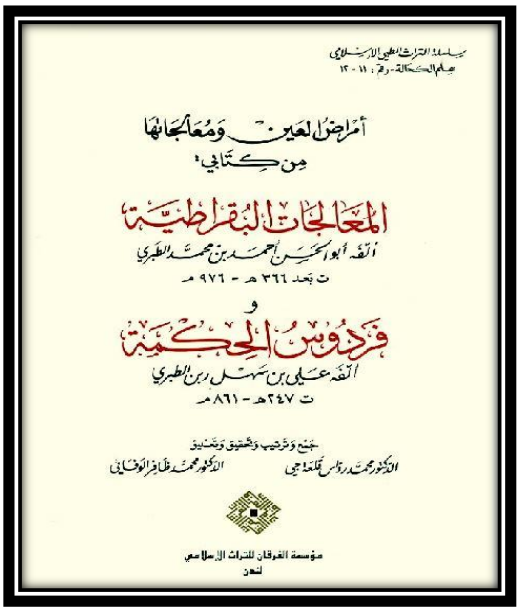
سلسلة التراث العلمي الإسلامي
جامعة الكويت - رقم ١١ - ١٢

أمراض العين ومعالجاتها
من كتابي

المعالجات البقراطية

تأليف أبو الحسن أحمد بن محمد الطبري
ت بعد ٣٦٦ هـ - ٩٧٦ م

و

فردوس الحكمة

تأليف علي بن سهل ربن الطبري
ت ٢٤٧ هـ - ٨٦١ م

جمع وترتيب وتحقيق وتعليق
الدكتور محمد زاهر الحكيم
الدكتور محمد ظافر الوفائي

مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي
لندن

تصویر ٤. بیماری‌های چشم و درمان آنها در کتب معالجات بقراطیه و فردوس الحکمه

۳. علاج الاطفال

اثر دیگری از ابوالحسن طبری ترنجی به زبان عربی است که شامل ۶۰ باب در درمان بیماری‌های کودکان است (۴۱).

٤. نورالعیون

نورالعیون اولین کتاب تخصصی در چشم‌پزشکی به زبان فارسی و از مهمترین منابع مربوط به چشم‌پزشکی که توسط ابوروح جرجانی نوشته شده است. این کتاب پس از اتمام در سال ۴۴۰ ه.ق به سلطان ملکشاه سلجوقی تقدیم شده است. ابوروح علت نوشتن کتاب به فارسی را علاقه‌ی ملکشاه سلجوقی به زبان فارسی دانسته و می‌گوید: «من کتابم را به پارسی می‌نویسم برای رضای خدا که پارس‌ها را دوست دارد» (۴۲). نورالعیون شامل ده باب درباره ساختمان و تشریح چشم، بیماری‌های چشمی (بیماری‌های قابل رویت و غیر قابل رویت)، امراض قابل علاج و غیر قابل علاج، درمان و جراحی‌های چشم، انواع کوری و داروهای مورد استفاده در چشم‌پزشکی است. با وجود آن که ابوروح معترف است که از کتاب العشر مقالات فی العین حنین بن اسحاق استفاده کرده ولی قسمت اعظم مطالب کتاب العیون، بدیع و بی‌سابقه است و شامل مباحثی بوده که در العشر مقالات فی العین نیامده است (۲۶).

تصویر ٥. صفحه نخست کتاب نورالعیون اثر ابوروح جرجانی نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

۵. المائه فی الطب (صد باب در پزشکی)

مهمترین اثر ابوسهل مسیحی جرجانی در قرون چهارم و پنجم ه.ق به زبان عربی و دربردارنده همه موضوعات طبی و یک دائره‌المعارف طبی است (۵۹). نظامی عروضی در مقاله چهارم کتاب خود چهار مقاله، در باب طب و هدایت طبیب، المائه فی الطب را در ردیف کتاب‌هایی چون الحاوی و قانون قرار داده و می‌گوید: «پس از کتب بسائط یکی به دست آرد چون ستهٔ عشر جالینوس یا حاوی محمد زکریا یا کامل الصناعه یا صد باب بوسهل مسیحی یا قانون بوعلی سینا یا ذخیرهٔ خوارزمشاهی و به وقت فراغت مطالعه همی کند» (۴۱). مولف هر یک از بخش‌های صدگانه اثر خود را «کتاب» نامیده و درباره سبک نگارش و علت نامگذاری آن می‌گوید: «من هر بخش را به گونه کتاب جداگانه‌ای نوشتم تا استفاده از هر یک از این بخش‌ها به شکل مستقل امکان داشته باشد» (۶۰). المائه فی الطب پس از تألیف مورد توجه بسیاری از پزشکان قرار گرفته و بر آن شرح و تحشیه‌هایی نوشته شده که می‌توان به کتاب "الحواشی علی کتاب المائهٔ و تعالیق استخراجها من کتاب المائهٔ للمسیحی" تألیف ابن تلمیذ و کتاب "الحواشی النعمانیهٔ و المقاصد الطبیهٔ" تألیف نعمان بن ابی‌الرضا اسرائیلی (۱۸) اشاره کرد.

٦. مفتاح الطّب و منهاج الطلاب

«مفتاح الطّب و منهاج الطلاب» را ابن هندو به عنوان یک کتاب درسی برای دانشجویان طب به نام (کلید دانش پزشکی و برنامه دانشجویان آن) تألیف کرد و دربردارنده مطالب مختلفی در تاریخ طب و آداب دانشجویان پزشکی است (۴۴). ظهیرالدین بیهقی صاحب تاریخ بیهق در مورد این کتاب می‌گوید: «در شرافت و فواید علم پزشکی، کتابی همچون مفتاح الطب نیافته‌ام» (۳۹). ابن هندو اثر خود را در ده باب نگاشت و مشتمل بر مباحثی همچون: تشویق علم پزشکی آموختن، اثبات علم پزشکی، تعریف علم پزشکی، شرافت علم پزشکی، اقسام علوم پزشکی، مکتب‌های علم پزشکی، شیوه‌های درک علم پزشکی، علومی که یک طبیب باید بداند تا در فّن و حرفه‌ی خود متبحّر گردد، کیفیّت پیشرفت تدریجی دانشجوی پزشکی و کتاب‌های آن و تعبیرات و اصطلاحات علم پزشکی است (۴۴).

۷. ذخیره خوارزمشاهی

بزرگترین اثر سید اسماعیل جرجانی، بنیانگذار مکتب فارسی‌نویسی طبی در ایران می‌باشد. ذخیره خوارزمشاهی خود دائرهٔ المعارفی شامل همه‌ی دانسته‌های پزشکی اسلامی تا قرن پنجم و ششم است. نگارش این اثر در سال ۵۰۴ ه.ق در شهر خوارزم به پایان رسید. جرجانی آن را به نام قطب‌الدین خوارزمشاه، حاکم اهلِ علم خوارزم، ذخیره خوارزمشاهی نامید (۶۱). ذخیره در ۱۱ کتاب نوشته شده که ۹ کتاب آن اصلی و ۲ کتاب آن، ضمیمه محسوب می‌شود. این کتاب دربردارنده موضوعات گوناگون طبی و بهداشتی، شناخت بیماری و درمان تب و سایر بیماری‌ها، علاج آماس‌ها و زخم‌ها و تدابیری در شکافتن، داغ کردن، شکستگی‌ها، زهرها و پادزهرها است (۲۰). شیوه نگارش جرجانی در ذخیره، مبتنی بر تجربیات مکرر رازی در الحاوی، بیان کلاسیک و منطقی ابوعلی سینا و دیگر نویسندگان است که با روندی روشن و آسان، طب نظری و عملی را بر موازین نمونه قرار داده و اصطلاحات طبی را استانداردسازی کرده است (۶۲).

سید اسماعیل جرجانی در اواخر عمرش ذخیره خوارزمشاهی را در ۲۰ جلد به عربی برای مجدالدین ابومحمد وزیر دانشمند آتسز ترجمه کرد (۲۰). نگارش این کتاب نه تنها گامی بزرگ در جهت احیاء، حفظ کلمات و اصطلاحات زبان فارسی بود، بلکه منبعی سرشار از اصطلاحات و اطلاعات پزشکی به زبان فارسی برای تألیفات پس از خود گردید. او با نگارش این کتاب علاوه بر تکمیل استقلال علمی پزشکی ایرانی که از مراکز مهم پزشکی بغداد شروع شده بود موجب همراهی آن با استقلال فرهنگی شده و زبان فارسی را جایگزین زبان عربی نمود. بر همین اساس این اثر در مدت زمان کوتاهی پس از تحریر و حتی در زمان حیات جرجانی، از مشهورترین و پرخواننده‌ترین کتاب‌ها در بین پزشکان بوده است (۴).

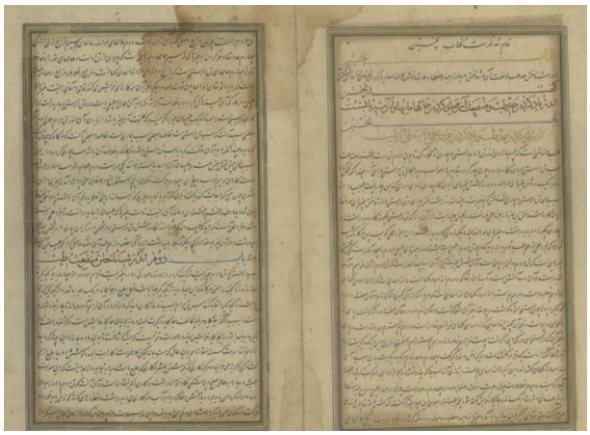

تصویر ٦. صفحه آغازین کتاب ذخیره خوارزمشاهی اثر سید اسماعیل جرجانی نسخه کتابخانه مجلس

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

۸. خُفی علائی

دومین کتاب طبی سید اسماعیل جرجانی به زبان فارسی است که از دو بخش و هفت مقاله در بیان طب نظری و عملی تشکیل شده و به نام علاء الدوله «از القاب اتسز خوارزمشاه» نوشته شده است (۶۳). بر اساس نوشته‌ی جرجانی در ابتدای این اثر، کتاب به صورت مختصر در دو جلد و در قطع مطوّل نوشته شده تا بتوان آن را همیشه در موزه نگاه داشت. خُف به معنای چکمه و موزه و خفی منسوب به خف است (۶۴).

تصویر ۷. کتاب خفی علایی تالیف سید اسماعیل جرجانی

۹. الاغراض الطبیه و المباحث العلاییه

خلاصه‌ای از ذخیره خوارزمشاهی به فارسی است که سید اسماعیل جرجانی به شیوه‌ای نوین آن را به خواهش مجدالدین ابومحمد صاحب بن محمد بخاری (وزیر اتسز) در پنج بخش فراهم کرد (۴۵) که هر بخش شامل چند گفتار یا باب و جزء است. این کتاب در زمان سید اسماعیل جرجانی شهرت داشته، چنانکه نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله در مقالت چهارم «در علم طب و هدایت طبیب» آورده است: «از کتب وسط، ذخیره ثابت بن قره و منصوری محمد زکریاء رازی یا هدایه ابوبکر اخوینی یا کفایه احمد فرج یا اغراض سید اسمعیل جرجانی باستقصاء تمام بر استادی مشفق خواند» (۳۶).

۱۰. یادگار

چهارمین کتاب طبی فارسی سید اسماعیل جرجانی است که نظامی عروضی در مقاله چهارم کتاب خود نیز از آن نام برده و در دسته‌ی کتاب‌های کوچک و در ردیف تحفه الملوک محمد بن زکریا، کفایه ابن مندویه و تدارک انواع الخطاء فی التدبیر ابوعلی قرار داده که نشان از مورد توجه بودن کتاب یادگار همانند سه تالیف دیگر جرجانی را دارد. این اثر در پنج بخش و در قالب یک دوره پزشکی و بهداشت نوشته شده است (۶۵).

۱۱. جامع العلوم

«جامع العلوم» یا «حقایق الانوار فی حقایق الاسرار» دائرة المعارفی از علوم متداول آن زمان، اثر امام فخر رازی، گزیده‌ای از تعاریف و شرح مشکلات ۶۰ دانش بوده و به «ستینی» نیز معروف است. این اثر شامل رسالاتی در شرح برخی از علوم دینی، پزشکی، داروسازی، شیمی، معدن‌شناسی، کشاورزی، دامپزشکی، شناختن باز و بیماری‌های آن (علم البزا) بوده و در هر موضوع علمی، ۹ مسئله شامل سه مساله‌ی ظاهری، سه مشکل و سه آزمایش مورد بحث قرار گرفته است. رساله‌های بیطره (دانش دامپزشکی) و علم البزا (شناختن باز و بیماری‌های آن) دو رساله مختصر و پر محتوا با کاربرد عملی در جامع العلوم بوده که نسخه‌های متعددی از آن به عنوان رساله‌هایی جداگانه وجود دارد. در رساله بیطره، بیماری‌های لاغری مفرط اسب و انواع سوء هاضمه، بزرگ شدن آلت تناسلی و بیضه‌ها، تب، لکه‌های سفید چشم و معالجه زخم‌های پشت به طور مختصر شرح داده شده و در هر مورد داروهای مختلف و ترکیبات آن‌ها ذکر شده است. به نظر می‌رسد که یکی از مدارک این رساله «نسخه معالجات اسب» مربوط به سلطان سنجر باشد (۲۰).

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

۱۲. نفائس الفنون فی عرایس العیون

این کتاب، مهمترین اثر شمس‌الدین آملی (قرن ۸ ه.ق) و از جمله کتاب‌های معتبر فارسی بوده و مشتمل بر شرح بیش از ۱۲۰ نوع علم و چندین فن مختلف است. کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون حکم دائرةالمعارفی جامع و مفصل در علوم قدیم را دارد که شمس الدین آملی مطالب پیچیده علمی را در نهایت مهارت و دقت و با انشایی صریح و متقن نوشته است. مقاله چهارم این کتاب در فروع طبیعی مشتمل بر ده فن طب، کیمیا، سیمیا، تعبیر، فراست، نجوم، علم خواص حیوانات، حِرَف طبیعی همچون بیطره (دامپزشکی)، بزات، قلع، فلاحت، علم دم و علم وهم است. در قسمت علم خواص حیوانات از چند حیوان اصلی سخن گفته و بیشتر به منافع اعضای حیوانات به عنوان درمان دارویی پرداخته است. فصل اول از فن هشتم مقاله چهارم از قسم دوم به بیطره و فصل دوم آن در احوال مرغان شکاری است که می‌توان آنها را دو رساله مختصر به حساب آورد (۲۰).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشگران مختلفی توانسته‌اند زندگی و آثار علمی پزشکان طبرستان در دوره ایران اسلامی را مورد توجه و اهتمام قرار دهند. معلمی و مهربان‌نژاد (۱۳۹۱) در «نقش دانشمندان طبرستانی و محیط علمی آن در انتقال دانش عصر ساسانی به تمدن اسلامی» با ارائه مستندات و گزارش‌های تاریخی، به برخی دانشمندان طبرستانی در سده‌های نخستین تمدن اسلامی، مانند علی بن ربن طبری، اشاره نموده و طبرستان را مرکزی فعال در حوزه‌های علمی مختلفی چون طب، نجوم و ریاضیات برشمرده‌اند (۶). این تحقیق علی‌رغم تلاش برای نمایاندن چهره واقعی مرکز علمی طبرستان، در انتقال دانش عصر ساسانی به تمدن اسلامی، نتوانسته نقش سایر پزشکان آن جا را در دوره ایران اسلامی، مورد بررسی قرار دهد. همچنین اردلان و همکاران در مقاله‌ای به کتاب فردوس الحکمه پرداخته و دیدگاه کلی طبری را در مورد بیماری‌های اندام‌های مختلف، طبقه‌بندی آنها و علائم و نشانه‌های مرتبط با آن توضیح دادند. نویسندگان این کتاب را از اولین کتاب‌هایی دانستند که طب یونانی و رومی را به جهان اسلام معرفی کرده است و نقطه اتصال نهضت ترجمه اولیه و تطبیق و گسترش دانش پزشکی در جهان اسلام بوده است (۵۷). در پژوهش‌های دیگر کیانی (۵۸) و عبدلی (۶۶) نیز به بررسی کتاب فردوس الحکمه پرداختند. بودالا در تحقیقی دیگر ویژگی‌های اخلاقی و حرفه‌ای پزشکان و دانشجویان پزشکی را از منظر علی بن سهل ربان طبری بررسی کردند (۶۷).

معطر و قنادی (۱۳۸۹) در «معرفی مشاهیر طب سنتی اسلام و ایران، حکیم سید اسماعیل جرجانی»، به شرح احوال سید اسماعیل جرجانی، پزشک قرن پنجم و ششم هجری و مهمترین آثارش در دانش پزشکی مانند ذخیره خوارزمشاهی پرداخته‌اند (۶۸). حسن تاجبخش (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «سید اسماعیل جرجانی بنیانگذار پزشکی پارسی» به شرح زندگی و معرفی آثار این پزشک نامدار طبرستانی پرداخته و چاپ‌های مختلف آثار جرجانی، مراجع و منابع موجود در تألیف آثار، نوآوری‌ها و تجربیات او را بررسی کرده است (۴۶). در پژوهش‌های دیگری با عنوان «نقدی بر تصحیح کتاب فردوس‌الحکمه کهن‌ترین درسنامه پزشکی» تالیف سید حسن رضوی برقعی (۶۹)، «کتاب نورالعیون در چشم‌پزشکی و شناخت منابع و مآخذ آن» اثر رضا دادگر (۷۰)، «ابوالحسن طبری، مروری بر دیدگاه و آثار او» نوشته‌ی غفاری و همکاران (۷۱)، «ابوعبدالله طبری ناتلی؛ حکیم و طبیبی از سرزمین طبرستان» اثر گلشنی و اسماعیلی (۷۲) و «ابوالحسن احمد بن محمد طبری ترنجی؛ حکیم و پزشک نامی ایرانی» اثر سید علیرضا گلشنی (۷۳) به بررسی شرح احوال و آثار پزشکان طبرستان پرداخته شده است؛ اما نکته قابل توجه در این پژوهش‌ها اینست که هر کدام تنها بخشی از موضوع این تحقیق را مورد بررسی قرار داده و سایر حوزه‌ها، مورد پرسش و واکاوی قرار نگرفته است. به عنوان مثال گلشنی به شرح احوال ابوالحسن طبری و ابوعبدالله طبری ناتلی پرداخته یا دادگر کتاب نورالعیون ابوروح جرجانی را مورد توجه قرار داده است. همچنین مشاهده می‌کنیم که رضوی برقعی در مورد تصحیح کتاب فردوس الحکمه بحث نموده است. این درحالی‌است که اثر حاضر توانسته در یک دوره تاریخی آثار دانشمندان و پزشکان تاثیرگذار را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهد.

با بررسی و مطالعه تاریخ پزشکی ایران در دوره ایران اسلامی و تعمّق در زندگی و آثار علمی پزشکان طبرستان این نتیجه حاصل می‌گردد که شهرهای مختلف سرزمین طبرستان مانند ناتل، آمل، جرجان، استرآباد و ترنجه، مهد اطبایی چون ابوعبداله ناتلی طبری، علی بن ربّن طبری، سید اسماعیل جرجانی، ابوسهل مسیحی جرجانی و ابوالحسن احمد بن محمد طبری ترنجی بوده که توانسته‌اند با خلق آثار علمی و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان‌های گوناگون، موجب رشد و شکوفایی طب در ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی شوند.

این پژوهش نشان می‌دهد طبرستان در طی دوره ایران اسلامی، شاهد ظهور و حضور حداقل هجده پزشک بوده که با خلق آثار ماندگار و موثر خود در علوم مختلف پزشکی، موجب پویایی و بلوغ مکتب پزشکی اسلامی شده‌اند. در این دوره‌ی طلایی علی بن ربّن طبری و پدرش در قرن دوم و سوم ه.ق، ابوعبداله ناتلی طبری، ابوالحسن احمد بن محمد طبری ترنجی، ابوسهل مسیحی جرجانی، ابوالفتوح جرجانی، منصور بن ابی عبدالله بن منصور جرجانی و ابوسعید جرجانی در قرن چهارم ه.ق، ابن هندوی طبرستانی و ابوالهیثم جرجانی در قرن چهارم و پنجم ه.ق، ابوروح محمد بن منصور جرجانی در قرن پنجم ه.ق، سید اسماعیل

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

جرجانی در قرن پنجم و ششم ه.ق، امام فخر رازی در قرن ششم و هفتم ه.ق و شمس الدین آملی در قرن هفتم و هشتم ه.ق از سرزمین طبرستان به پا خواستند (جدول ۱) که اوج شکوفایی و پیشرفت پزشکی طبرستان در سده‌های چهارم و پنجم ه.ق بوده است.

پزشکان طبرستان تلاش فراوانی در آموزش و گسترش علم طب داشتند. آنان پس از کسب و فراگیری علوم پزشکی در مراکز علمی مهمی همچون بغداد، ری، نیشابور و خوزستان با برپایی جلسات و تألیف کتب طبی آموزشی، موجب نشر دانش پزشکی شدند، چنانکه دو تن از حکمای طبرستانی، ابوسهل مسیحی، استاد ابن سینا (۱۷ و ۷۴) و علی بن ربّن طبری، استاد رازی در طب بوده‌اند (۲۶ و ۲۷). کتاب مفتاح الطب و منهاج الطلاب (کلید دانش پزشکی و برنامه دانشجویان) اثر ابن هندو طبرستانی به عنوان یک کتاب درسی برای دانشجویان پزشکی تألیف شده (۴۴) و اغلب آثار سید اسماعیل جرجانی نمونه‌ی اعلای علم طب بود، به‌طوری‌که ذخیره به عنوان یکی از کتاب‌های اصلی بزرگ، الاغراض به عنوان کتاب متوسط، خفی علایی و یادگار به عنوان کتاب‌های خلاصه درسی و مورد نیاز پزشکان محسوب می‌شده (۲۰) و دانشجویان پزشکی می‌بایست در سال دوم تحصیل‌شان ذخیره را می‌خواندند (۷۴). کتاب المعالجات البقراطیهٔ ابوالحسن طبری از اولین کتاب‌های واقعی آموزشی مجموع علم طب در ادبیات جهان بوده (۳۱) و کتاب صد باب ابوسهل مسیحی توسط نظامی سمرقندی در ردیف الحاوی و قانون از کتاب‌های اصلی تدریس طب آمده است (۳۶)، به‌طوری‌که تا سال‌ها پس از مرگ وی این کتاب در تدریس دانشجویان پزشکی مورد استفاده قرار می‌گرفت (۷۴). در اهمیت آثار اطباء طبرستان همین بس که نظامی عروضی سمرقندی در سال ۵۵۰ ه.ق در کتاب چهار مقاله از شانزده کتاب پزشکی در یادگیری علم طب، پنج اثر را مربوط به پزشکان طبرستان دانسته است (۳۶).

یکی از مسائل برجسته در این تحقیق به محل تحصیل و علم‌اندوزی اطبای طبرستان و وجود مکتبی جداگانه و مستقل برمی‌گردد. در واقع می‌توان این مسئله را بر خلاف سایر تحقیقات که دانشگاه جندی شاپور را مکتب اصلی پزشکی و مرکز آموزش پزشکی ایران در قبل از اسلام و حتی چند قرن بعد از ورود اسلام به ایران مطرح نمودند، دانست. به عبارتی با توجه به اینکه این پزشکان و دانشمندان بخش زیادی از زندگی و تحصیلات خویش را چه در علم طب و چه در سایر دانش‌ها در این منطقه سپری کرده‌اند، نشان‌دهنده وجود یک مکتب پزشکی تاثیرگذار در طبرستان است، چنانکه عقیلی شیرازی بعدها در اثر خویش از آن با عنوان مکتب پزشکی طبرستان یاد کرده است. این دانشمندان بعد از اندوختن دانش و نائل شدن به مراتب علمی، نظر حاکمان مسلمان را به خود جلب نموده و به شهرهایی مانند بغداد، ری و نیشاپور مهاجرت نمودند. همچنین پزشکان طبرستانی در آثارشان بارها به تاثیرپذیری‌شان از سرزمین طبرستان، انجام آزمایش و مشاهدات تجربی متعدد اشاره نموده‌اند؛ چنانچه علی بن ربن طبری اذعان نموده که برای تالیف کتاب خویش مطالب و مواد مورد نیاز را از طبرستان گردآوری نموده است.

با توجه به یافته‌ها در دوره ایران اسلامی، نقش پزشکان طبرستانی و تالیف و تدوین آثار معتبر طبی‌شان، بیانگر آنست که عالمان و اندیشمندان طبرستانی در تألیف و تدوین بسیاری از رشته‌های تخصصی علم طب (چشم‌پزشکی و پزشکی اطفال) پیشگام بوده و یا در گسترش علم پزشکی نقش مهمی داشته‌اند. آنان از یک سو با مطالعه و تحقیق در آثار گذشتگان و از سوی دیگر با ابداع و نوآوری‌های خویش توانستند موضوعات مختلف علوم طبی را به رشته تحریر درآورند. به همین جهت وجودشان نشان‌دهنده‌ی اهمیت و اعتلای دانش پزشکی اسلامی در سرزمین طبرستان است، این مهم از سویی، سند تاثیر دانشمندان طبرستانی در شکوفایی تاریخ پزشکی ایران و از سوی دیگر سند هویت این سرزمین قدیمی به شمار می‌رود.

در آخر انتظار می‌رود که این تحقیق و سایر مطالعات و پژوهش‌هایی که در حوزه پزشکی طبرستان صورت می‌پذیرد، بتواند چهره‌ی واقعی مکتب پزشکی طبرستان را در پیشرفت دانش پزشکی ایران به نسل امروز شناسانده و نقاط ناشناخته آن را آشکار سازد.

از کاستی‌ها و محدودیت‌های تحقیق می‌توان به عدم دسترسی به برخی نسخ خطی طبی اثر پزشکان طبرستان موجود در کتابخانه‌های سایر کشورها اشاره نمود.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله از اصول اخلاق در پژوهش پیروی شده است. در نگارش این پژوهش، مطالب بدون جانب‌داری و از منابع معتبر استفاده گردیده است.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌نمایند که تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

References

1. Adler P. Civilizations of the World. Tehran: Amirkabir; 2009. [In Persian]
2. Lampten A. Tadavom Va Tahavvol Dar Tarikh Miane Iran. Translation by Ajand T. Tehran: Nashre ney; 2003.
3. Najmabadi M. History of Medicine in the Iran. Tehran: Tehran Univercity Publication; 1992. [In Persian]
4. Shams Ardakani M. An Overview of the History and Foundations of Traditional Medicine of Islam and Iran. Tehran: Sahbaye Danesh; 2010. [In Persian]
5. Parvin A, Karimian M. Comparing and Evaluating the Role of Iranian and Arab Scientists in Beit Al-Hikma and Their Influence on Islamic Civilization. Biquarterly Journal Sokhanetarikh. 2018; 12(27): 141-60. [In Persian]
6. Moallemi M, Mehrabannejad A. The Role of Tabarestani Scientists and Its Scientific Environment in Transferring Knowledge of the Sassanid Era to Islamic Civilization. Journal of History of Islamic Culture and Civilization. 2012; 3(9): 61-90. [In Persian]
7. Markwart J. Eranasahr Nach Der Geographie Desps. Moses xorenaci. Translation by Mir Ahmadi M. Tehran: Etelahat publication. 1994.
8. Pirnia H. Tarikh Iran Bastan. Tehran: Negah Publication; 2012. [In Persian]
9. Azami Sangesari C. Farmanravaian Tabarestan. Barrasihaye tarikhi. 1978; 79: 189-226. [In Persian]
10. Hamavi Y. Ershad al-Arif Ela Marefat al-Adib. Ghahereh: Marjlios; 1928. [Arabic]
11. Mostofi H. Nozha al-Gholob. Ghazvin: Hadis Emrooz; 2002. [Arabic]
12. Abro H. Geography of Hafiz Ebro. Tehran: Iran Culture Foundation Publications. 1970.
13. Yousefi S. Seire Tahavvole Din Va Mazhab Dar Mazandaran. Feghe va Tarikh Tamaddon. 2008; 4(16): 167-92.
14. Moallemi M, Mehrban Nejad A. Tabarestan Mountains: From Downfall of Sassanids to Death of Mazyar. J Research in History. 2012; 3(1): 1-16.
15. Ravandi M. Social History of Iran. Tehran: Negah; 2008. [In Persian]
16. Noorani M. Dayeratol Maaref Teb Eslami. Qom: Armaghan Yousof; 2006. [In Persian]
17. Alghefti A. Tarikh Al Hokama. Tehran: Tehran University Publication; 1992. [Arabic]
18. Ibn Abi Usaibi L. Uyun Al - Anba Fi Tabaqat Al -Atibba. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2007. [Arabic]
19. Safa Z. Tarikh adabiat dar Iran. Tehran: Ferdos; 1999. [In Persian]
20. Tadjbakhsh H. History of Veterinary Medicine and Medicine of Iran. Tehran: Univercity of Tehran; 2006. [In Persian]
21. Tabari A. Ferdous al-Hekmeh fi al-Teb. Berlin: Aftab; 1928. [Arabic]
22. Jarir Tabari M. Tarikh al-Omam valmolok. Beyrot: Dar ol-Toras; 1988. [Arabic]
23. Al-Barmaki IK. Vafia al-Aian va Anba Anba al-Zaman. Beyrot: Dar Sader; 1994. [Arabic]
24. Ibn RabbenTabari A. Aldini-o-Doleh. Beyrot: Dar Ol-Erfagh Al-Jadideh; 1970. [Arabic]
25. Ibn Esfandiar B. History of Tabarestan. Tehran: Pasiseh Khavar Publication; 1987. [Arabic]
26. Browne E. History of Islamic Medicine. Tehran: Scientific and cultural publishing company; 1985. [In Persian]
27. Zarkali K. Ghamos Tarajem leashhar Alrejal Va Alnesa Men Almaghreb Almostaghrebin Valmostashreghin. Beyrot: Tab Sales; 2010. [Arabic]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

28. Bironi A. Al Sidaneh fi al-Teb. Tehran: Persian Language and Literature Academy; 2004. [Arabic]
29. Tadjbakhsh H. History of Hospital in Iran. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies; 2000. [In Persian]
30. Jorjani S. Zakhireh Kharazmshahi. Qom: Institue of Resuscitation Natural Medicine; 2012. [In Persian]
31. Sezgin F. History of Arabic Manuscripts. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publisher; 2001. [Arabic]
32. Ahmadie A. Raze Darman. Tehran: Eghbal; 2007. [In Persian]
33. Filsof l-Doleh A. Matrah al-Anzar fi Tarajem al-Asar. Tehran: Iran University of Medical Sciences. 2004. [In Persian]
34. Alebri I. Tarikh Mokhtesar al-Doval. Beyrot: Dar ol-Mashregh; 1965. [Arabic]
35. Shirazi G. Altofat ol-Sadieh. Tehran: Tehran University of Medical Sciences Publications; 2008. [In Persian]
36. Nizami Arozi A. Chahar Maghaleh. Tehran: Zavvar; 2002. [In Persian]
37. Nevisandegan G. Name Daneshvaran. Tehran: Dar ol-Fekr; 1954. [In Persian]
38. Safari Agh Ghaleh A. Tabari and Persian Names of Some Spices in the Correction of Al-Hashish Abu Abdullah Natli. Iran Nameh. 2013; 28(4): 106-30. [In Persian]
39. Beyhaghi A. Tatame Savan ol-hekme. Tehran: Hekmat. 2009. [Arabic]
40. Disghoridos. Al-Hashaesh. Translation by Hosseini AS. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2004.
41. Writers AGo. History of Culture and Civilization In Islam and Iran. Qom: Nashre Maaref; 2010. [In Persian]
42. Jorjani Yamani A. Noor al-Oion. Tehran: Written Heritage Research Center; 2012. [In Persian]
43. Alneishapori A. Tatame al-Yatime. Tehran: Eghbal; 1974. [Arabic]
44. Hindo I. Meftah ol-Teb va Menhaj ol-Tollab. Tehran: McGill University Institute for Islamic Studies; 1989. [Arabic]
45. Jorjani S. Alaghraz ol-Tebbie va al-Mabahes ol-Alaeeie. Tehran: University of Tehran Press; 2009. [In Persian]
46. Tadjbakhsh H. Seyed Ismail Jurjani, The Founder of Parsi Medicine. Aeeineh miras. 2010; (47): 61-86. [In Persian]
47. Elgood C. A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate. Tehran: Amirkabir; 1992. [In Persian]
48. Dehkhoda A. Loghat Nameh. Tehran: Tehran University Press and Publishing; 1998. [In Persian]
49. Modarres Tabrizi M. Reyhane al-Adab. Tehran: Khayyam Bookstore; 1990. [In Persian]
50. Moeen M. Persian Dictionary Moin. Tehran: Amir Kabir Publication; 1985. [In Persian]
51. Zellol Rahman A. Ibn Sina's law, Its Commentators and Translators. Tehran: Association of Cultural Works and Honors; 2004.
52. Tabari Toranji A. Moalejat Boghratie. Tehran: Safir Ardehal; 2017. [In Persian]
53. Mohaghegh M. Collected Texts and Articles on (The History of Medicine and Medical Ethics in Islam and Iran). Tehran: Sorosh; 1995. [In Persian]
54. Fani K, Sadat M. University Encyclopedia. Tehran: Daneshgostar Scientific-Cultural Institute; 2010. [In Persian]
55. Sadr Haj Seyyed Javadi A. Shiite Encyclopedia. Tehran: Martyr Saeed Mohebbi; 2006. [In Persian]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]

56. Abdoli M, Mahlooji K. Paradise of Wisdom Indian Medical Concepts in a Persian Islamic Medical Text. Acta medico-historica adriatica. 2022; 20(2). [In Persian]
57. Ardalan M, Khodadoust K, Mostafidi E. A Review of Ferdous al-Hekma fil-Tibb by Ali ibn Raban Tabari. Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2015; 8: 1-7. [In Persian]
58. Kiani H. Ferdous al-Hekma fi al-Teb One of the First Medical Documents in Islamic Civilization. Journal of Research on History of Medicine. 2013; 2(3): 109-12.
59. Keramati Y. Abosahl Masihi.Tehran: Markaz Dayaratolmaaref Bozorg Eslami; 2020. [In Persian]
60. Abo Sahl Masihi Jorjani E. Al-Mae Fi al-Teb. Tehran: Tehran University of Medical Sciences Publications; 2005. [Arabic]
61. Ghaneei S. Ganjineh Tarikh Iran, Az Torkan Khaton Ta Padeshahan Mahalli. Tehran: Pol Publication; 2010. [In Persian]
62. Nasri Rodsari S, Sharafii M, Haravi J. A Study of the Progressive Role of Hakim Seyyed Ismail Jorjani in Transferring Iranian Medicine from the Middle Ages to Later Periods. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2022; 13(1): 1-12. [In Persian]
63. Amini F. Khofi Alaei. Ketab Mah Olom Va Fonon. 2010; (132): 52-4. [In Persian]
64. Jorjani S. Alkhofie Alaeih. Tehran: Etelahat publication. 1991. [In Persian]
65. Jorjani S. Yadegar dar Danesh Pezeshki Va Daro Shenasi. Tehran: Tehran Univercity. 2002. [In Persian]
66. Abdoli M, Mahlooji KJ. Paradise of Wisdom: Indian Medical Concepts In A Persian Islamic Medical Text. 2022; 20(2): 251-60.
67. Bodala MS, Shaabani N, Alipour M, Tajik N. The Characteristics of Physicians and Medical Students, According to Ali ibn Sahl Rabban al-Tabari. Journal of Research on History of Medicine. 2023; 12(4): 261-8. [In Persian]
68. Moattar F, Ghannadi A. Hakim Seyyed Esmaeil Jorjani. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2011; 1(4): 397-402. [In Persian].
69. Razavi Borghei S. A Critique of the Correction of Ferdows, Al-Hikma, The Oldest Medical Textbook. History of Science. 2004; 2(1). [In Persian]
70. Dadgar R. Nur al-ayun Book in Ophthalmology and Identify Sources and References of It. Tarikh Pezeshki. 2015; 7(22): 191-212. [In Persian]
71. Ghaffari F, Naseri M, Asghari M, Naseri V. Abul- Hasan al-Tabari: A Review of his Views and Works. Arch Iran Med. 2014; 17(4): 299-301. [In Persian]
72. Golshani SA, Esmaili H. Abu Abdullah Tabari Nateli: Sage and Physician from the Land of Tabarestan. Avicenna Interdisciplinary Journal of Religion and Health. 2022; 1(1): 10-17.
73. Golshani S. Abolhassan Ahmad bin Mohammad Tabari Taranji; The famous Iranian Physician. Journal of Babol University of Medical Sciences. 2018; 20(10): 71-4. [In Persian]
74. Elgood C. Teb Dar Safavieh. Tehran: Tehran University Press; 1978. [In Persian]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-15]